

# خسرو انوشیروان

## و حکمت یونانی (۱)

خسرو اول انوشیروان پادشاه بزرگ ساسانی که از ۳۱۰ تا ۵۷۹ میلادی مدت  
چهل و هشت سال در ایران شهریاری کرده است از میان تمام پادشاهان نامی  
این خاندان بی‌وروش دانشمندان اختصاص دارد و بیشتر آثار علمی که از زمان  
ساسانیان ما رسیده یادگار های روزگار پادشاهی اوست .

(۱) ماخذ این مقاله :

(۱) آگاتیاس چاپ پاریس - کتاب دوم ص ۶۹

Agathias-Histoire, Lib. II, edit. Paris, p. 69

(۲) ژوستینی نین و تمدن بیزانس تألیف دیل Charles Diehl-Justinien

et la civilisation byzantine-Paris 1901

(۳) هفتمین سلطنت بزرگ شرق تألیف جرج راولین سن

George Rawlinson-The Seventh great Oriental Monarchy  
London 1876

(۴) افکار یونان و ماخذ ذوق علمی تألیف ل. روبن L. Robin-

La pensée grecque et les origines de l'Esprit scientifique (L'évo-  
lution de l'Humanité-Bibliothèque de Synthèse Historique)

(۵) تاریخ ادبیات یونان تألیف آکسیس پیرن Alexis Pierron- Histoire

de la Littérature grecque - Paris 1912

(۶) مقاله ژ. کیشرا بعنوان «حل مسائلی که خسرو طرح کرده است»

Quicherat - Solution des problèmes posés par Chosroès  
(Bibliothèque de l'École des Chartes, 3<sup>e</sup> série, t. IV. p. 248 et s.)

(۷) تاریخ عمومی زبانهای سامی تألیف ارنست رنان

Ernest Renan-Histoire générale des langues sémitiques-Paris 1928

داستان فرستادن دانشمندی به هندوستان و ترجمه کتابهای هندی بزبان پهلوی بحد کف معروف ایرانیان هست ولی از روابطی که با حکمای یونان داشته و از اطلاعات وی در حکمت یونانی در کتابهای ما ذکری نیست و این چند سطر برای آنست که این نقص کتابهای فارسی را بر طرف کند .

زوستی نین امپراطور روم شرقی یارومیة الصغری ( ایرانس ) که از ۵۲۷ تا ۵۶۵ میلادی سلطنت کرده است در مذهب نصارا متصب می وزید و همین جهت بارواج تمدن و افکار یونانی در قلمرو خویش مخالف بود و در سال ۵۲۹ میلادی فرمانی صادر کرد و دارالعلم معروف سنت افرم Saint-Ephrem را در شهر ادس و مدارس حکمت آتن و اسکندریه را بست و هر کس از حکمای یونان را که در قلمرو سلطنت خویش می یافت دنبال میکرد و از تدریس مانع میشد . آگاتیاس مورخ معروف و شاعر یونانی که در قرن ششم میلادی میزیسته در کتاب مشهوری که بعنوان « تاریخ سلطنت زوستی نین » نوشته چنین آورده است که هفت تن از مدرسین که شکوفه حکمت ان زمان بودند ناچار شدند از وطن خویش هجرت کنند .

اسامی این هفت تن را چنین ذکر میکنند: ۱- داماسکیوس Damascius از مردم سوریه ، ۲- سیمپلیوس Simplicius از مردم سیلیسی Clie ، ۳- اولامیوس Eulamius از مردم فریژی Phrygie ، ۴- پریسین Priscien از مردم لیدی Lydie ، ۵- ایزیدور Isidore از گازا Gaza ، ۶- هرمیاس Hermias ، ۷- دیوژن Diogène از مردم فنیقیه .

چون این هفت دانشمند بگفته آگاتیاس با افکار مذهبی که در ان زمان در میان رومیان رواج تام داشت موافق نبودند و چون برابر آنچه از همه کس شنیده بودند گمان میبردند که در ایران ان یگانگی در میان قدرت و حکمت که افلاطون آنرا نمونه کامل از سلطنت عادلانه (مدینه فاضله) می شمارد بر قرارست و چون چنین تصور میکردند که در ایران همه چیز بحد کمال است و از طرف دیگر مخالفت

خویش را با قوانین و رسوم آن زمان دیار خود مایه گرفتارها و درد سرهای دائمی میدانستند بسوی ایران رهسپار شدند و در صدد بودند که از آن پس در ایران زندگی کنند .

آگاتیاس مینویسد : چون بایران رسیدند و دیدند که عمال دولت باخشونت و ستم بامردم رفتار میکنند ، درهای سرای مردم را میشکنند و گریبان مردم را میگیرند و زبر دستان برزبر دستان خویش ستم روا میدارند و با وجود تعدد زوجات بی آزر می در هر سرائی راه دارد آن امید هائیکه داشتند يك سره از میان رفت .

گفتگو هائی که با پادشاه ایران کردند اگر شبهه دیگری مانده بود برطرف کرد ؛ و برا مردی دیدند که دم از حکمت و فلسفه میزد ولی بوئی از گفتار استادان نبرده بود و در هیچ باب با آراء ایشان موافق نبود و بسیار عادات منافی اخلاق داشت .

این سخنان معلوم می نمود که این دانشمندان در زمانی بایران آمده اند که هنوز مذهب مزدك در دربار قباد پادشاه ایران رواج داشته و از این قراریش از سال ۵۳۱ که زمان جلوس خسرو اول انوشیروان است بایران آمده اند .

پس از آن آگاتیاس مینویسد : خسرو که نسبت بایشان مهر می ورزید - آنچه در توانائی داشت بکار برد تا آنکه ایشان را نگاهدارد ؛ ولی ایشان ترجیح دادند که پیشنهاد های مهربان ویرا نپذیرند و بدیار خود باز گردید ، اگر هم در قدم نخستین هزاران مارك بیسباز ایشان آید .

مذلك این سفر برای ایشان بی سود نبود . بزودی در میان ایران و روم صلح برقرار شد و یکی از مواد عهدنامه که خسرو خود بان فرمان داده بود شامل این نکته بود که حکما و فیلسوفان بایستی در قلمرو روم باسایش زندگی کنند و کسی ایشان را ناچار نکند عقاید و آرائی را که جز عقاید و آرای ایشاست تبلیغ کنند .

خسرو انوشیروان به حکمت یونان و گفتار افلاطون و ارسطو دلبستگی

داشت و در زمان خود در میان یونانیان بجنبه حکمت معروف بود، چنانکه آگاس تئاس خود در موضع دیگر (۱) می نویسد که تمام کتابهای این دو حکیم بزرگ حتی مشکل ترین آنها را فرموده بود ترجمه کنند. ظاهر آنست که کتابهای حکمت یونان را در ایران بزبان سریانی می آموختند و ترجمه هائی که بدستور انوشیروان شده بسریانی بوده چنانکه دانشمند شهیر فرانسوی ارنست رنان Ernest Renan در مقاله ای که در مجله آسیائی Journal Asiatique پاریس (۲) نوشته است از نسخه خطی که در موزه بریتانیا British Museum طست سخن می راند که خلاصه ای از منطق ارسطو بزبان سریانی است و مترجم آن پول Paul ایرانی آنرا بنام « پیروز بخت خسرو شاه شاهان نیک ترین مردان » تمام کرده است.

بهترین دلیلی که از دل بستگی خسرو انوشیروان بحکمت یونان داریم اینست که یکی ازین هفت تن حکیم یونانی یرسین کتابی در جواب سؤالات وی پرداخته است. ازین سؤالات پیداست که خسرو در حکمت یونان احاطه کامل داشته و ذوق سرشار و قریحه خاص فهم حکمت در او بوده است.

اصل کتاب یرسین بزبان یونانی در دست نیست و تنها ترجمه ناتمامی از آن بزبان لاتین موجودست که نسخه ای خطی بنمره ۱۳۱۴ در میان کتب خطی لائینی کتابخانه سن ژرمن Saint-Germain در پاریس از آن ضبط است. عنوان آن کتاب بدین قرار است: « حل مشکلات فلسفه یرسین که خسرو شاه ایران طرح کرده است » Prisciani philosophi solutiones eorum de quibus dubitavit Chosroes Persarum rex. این کتاب شامل جوابهای مختصری است که در مسائل مختلف علم التفسیر و وظائف الاعضاء و حکمت طبیعی و تاریخ طبیعی شاهنشاه ایران از وی کرده است. نسخه موجود این کتاب شامل نه فصل است (از آغاز فصل نهم آناند لی افتاده) و مقدمه ای که در ضمن آن یرسین سبک تحقیقات و اسناد و استاد های خود را نام میبرد

(۱) کتاب سابق الذکر، ج ۲، ص ۶۶

(۲) شماره ماه آوریل ۱۸۵۲

و بهمین جهت عده کثیر از کتب یونان را نام برده است که از بعضی از آنها جای دیگر ذکری نیست و پس از این مقدمه بهر يك از سخنان خسرو انوشیروان جوابی مینویسد .

فهرست سؤالات خسرو انوشیروان بدین قرار است :

۱ ( ماهیت روح چیست ؟ آیا روح در تمام موجودات یکسانست ؟ آیا اختلاف از واحد است که سبب اختلاف ابدان می شود یا بالعکس اختلاف ابدان باعث اختلاف ارواحست ؟

۲ ( خواب چیست ؟ آیا فراهم آورده همان روحی است که در بیداری عمل می کند یا اینکه فراهم آورده روح دیگری است ؟ آیا با اصل گرمی و سردی مزاج مناسبت دارد ؟

۳ ( قوه مخیله چیست و از کجا می آید ؟ اگر یکی از مدارک روحست آیا خدایان آنرا تولید می کنند یا ارواح ضاره ؟

۴ ( چرا در تمام اقالیم سال تابع چهار تکامل بهار و تابستان و پاییز و زمستان است ؟

۵ ( چرا طبیبانی که در نوع مرضی موافقت دارند در داروی همان مرض موافقت ندارند ، تا حدی که همان دارویی را که بعضی زبان آور می شمارند بعضی دیگر سود نهدمی دانند و از آن بهبودی می آید ؟

۶ ( چرا بحر احمر هر روز مدو هر شب جزر دارد ؟

۷ ( چگونه می شود که اجسام ثقیل در هوا خود را نگاه بدارند ولی ممکن آتش هم چنان که در آتار جوی مشهود است جز در رطوبت نیست ؟

۸ ( چرا انواع مختلف حیوانات و نباتات را چون از ناحیه ای بنا حیه دیگر برند پس از زمانی معین و بعد از چند بار که نسل پذیرد و روئیده شود اشکالی بخود می گیرد که مختص آن ناحیه ایست که آنرا بد آن برده اند و اگر

خاصیت هوا و زمین است که در آنها تغییر می آورد چگونه است که تمام اشخاص از يك نوع که دائما در نفاذ همین آتار بوده اند يك سیمو قیافه ندارند

۹ ( چنانکه تمام موجودات جاندار مانند يك دیگر از چهار عنصر ترکیب یافته اند چرا تنها خزندگان زهر دارند و چرا تمام خزندگان زهر ندارند ؟

ازین نه سؤالی که خسرو انوشیروان از پریسین کرده است پیداست که وی نه تنها در قلمرو سیاست و جهانگیری مردی مدبر و نیزهوش و خداوند

برای صائب بوده است بلکه در حکمت نیز عادت بتحقیق و تفکر داشته و در پی حقایق می گشته و درصدد گشادن معضلات بوده و با افزایش معلومات خویش می کوینده است و بمحض اینکه با یکی از حکمای طریقه افلاطونیون جدید رو برو شده است موقع را غنیمت شمرده و برای آگاهی خود و پویندگان زاهد حقیقت این سخنان را از وی پرسیده است .

در مقدمه ترجمه ارسطو بسریانی که پیش ازین ذکری از آن رفت مترجم آن کتاب چند سطری خطاب بخسرو نوشیروان دارد که مقام وی رادر میان حکمای آن زمان اشکار می کند ؛ در جائی که کتاب خویش را بنام وی می پردازد در حق وی می گوید : « چون من این ارمغان حکیمانه را بشما تقدیم کنم جز آن نکرده ام که میوه ای را که از باغ شما چیده ام ببیشگاه شما تسلیم کنم ، هم چنانکه ایزد را از موجوداتی که از میان مخلوقات او بر گرفته اند قربانی میدهند . »

سید نفیسی

طهران - اسفند ماه ۱۳۱۱

## حمل پست

بوسیله سفینه هوائی بدون موتور

رابرت گروتلند قهرمان پرواز (آلمانی) اخیراً موفق شد پست هوائی را بمسافت ۱۵۶ کیلومتر بوسیله سفینه هوائی بدون موتور حمل نماید

اروپلانی سفینه او را با ارتفاع ۱۲۰۰۰ قدم در فضای وینه (اٹریش) بالا برده از آن ارتفاع آنرا رها نمود . رابرت گروتلند سیرحرکت را متوجه سمرینک (اٹریش) نموده در مدت یکساعت و چهل دقیقه محمولات پستی بمیزان دویست رطل سالمآ وارد مقصود نموده ( نقل از پاپوارسیانس )